

# الباب الرابع و العشر من الواحد الثاني في بيان الحساب.

حضرت باب

اصلي فارسي



## الباب الرابع و العشر من الواحد الثاني في بيان الحساب.

ملخص اين باب آنکه حساب کل بيد الله هست و غير الله مقتدر بر حساب کل نيست و خداوند عالم حساب مي فرمايد کلشي را بآنچه حساب مي فرمايد شجره حقيقت در هر زمان بظهور او و در حين بطون او حساب مي فرمايد کل را ولي حکم ظاهر نميگردد الا در حين ظهور

و حساب مي فرمايد کل را در يوم قيامت بيک کلمه واحده چنانچه در اين قيامت کل خلق را حساب فرمود بيک کلمه و آن اين است "انني انا الله لا اله الا انا رب کلشي" هر کس تأمل نمود در نار نفي بعدل حساب کرده شد و هر کس تصديق کرد بنور اثبات بفضل حساب کرده شد

زيرا که کل ما على الارض نفوس مستدر که از ايشان راجع ميشود بنفوس مؤمنه بقرآن زيرا که غير آنها در قيامت رسول خدا حساب کرده شده و فاني گشتند فنای ايماني نه جسدي و الا کل ارض از اجساد ايشان پر است و نفوس مؤمنه بقرآن هيچ حجتى نزد ايشان بر صحت دين ايشان اقواى از کتاب الله نبوده و از اين جهت خداوند شجره حقيقت را ظاهر فرمود بآن حجت که دين اين نفوس مؤمنه بآن ثابت بود و اين کلمه که حساب کل بآن شد و الى يوم القيمة ميشود بهمان لسان آيات قرآنيه که لسان عربى است و افصح از کل السن است نازل فرمود

و اکثر بعدل حساب کرده شده و در نار نفي لا شئي گشته و نفوسيه اقرار بتوحيد خداوند نموده در اين کلمه بفضل حساب کرده شده و جزا داده شدند باحسن جزا باياتيکه الى يوم القيمة باقى است



ORIGINAL



AUDIO

و کل خیر در همین آیات نازل شده و الی یوم القيمة بایشان میرسد زیرا که هیچ آیه خداوند نازل نفرموده الا ارواح متعلقه بان در ظل آن هستند و راجع بان نفوسی که خداوند در جزای ایشان این آیات را نازل فرموده میگردند در طول لیل الیل که ما بین الظهورین است

و اگر نفسی گوید که ما یقین نکردیم که این کلمه قول خدا است جواب گفته میشود که همین کلمه بعینها در قرآن نازل شده و قبل از شجره طور بمثل آنکه خداوند در قرآن نازل فرموده ذکر شده بآنچه از قول رسول الله - صلی الله علیه و اله - که این کلمه را تلاوت فرموده و یقین نمودید که از قبل الله هست بهمان حجت اینجا اثبات یقین میشود زیرا که اگر در آنجا میگفتند که ما علی الارض از اتیان باو عاجز هستیم در اینجا هم اولوالعلم مشاهده این امر را نموده و مینمایند

بچه حجت یقین کرده که این کلام خداوند نیست اگر به اتیان نفسی کوتیان او و از شجره حقیقت اگر کاتبی بتواند نوشت در یک روز دو الف مینویسد و الا بقدریکه بتواند مثل این نوع آیات که شبهه از برای اولوالافتد است که من قبل الله است زیرا که بنفسها شهادت میدهد که کلام الله است و بشر مثل او تنطق نتواند نمود و اون کلام نفس مشیت است که کلام الله باشد زیرا که ذات ازل لم یزل و لا یزال بر حالت واحده بوده و هست و کلام در مقام خلق و ابداع است و چون که در مشیت دیده نمیشود الا الله از این جهت است که این کلام منسوب الی الله میگردد زیرا که غیر الله مقتدر بر مثل او نیست

و کسی که با این شجره بوده یا خواهد بود تمیز داده که این کلام بر محض فطرت او است و نزد او اسهل تر و اقرب است حین تکلم از شئون مناجات و خطب و علم و شئون فارسیه زیرا که این است کلام کینونیت او که دلالت نمیکند الا بر خداوند وحده از این جهت است که آیات الله گفته میشود و کلام الله ذکر میشود زیرا که ذات ازل لم یزل و لا یزال بر حالت واحده بوده و حالت تکلم و قبل از تکلم یا بعد از تکلم شئون ثلاثه صفت مشیت اولیه است و خداوند اجل و اعظم است از اینکه متصف باین صفت گردد و منعت باین هندسه

و بهر حجتی که در مثل این کلمه کل در قرآن محتج میشوند در بیان هم محتج میشوند اینست که مردم از حساب خداوند باک نداشته که از اول عمر تا آخر عمر قلم لا شیء گرفته شود بر ایشان چقدر نفس خائف است در این محاسبات دنیویه که مقدار آن مقدار دنیا است نه دین ولی در جائی که مقدار در دین است و توحید و اعمال او مقبول نمیگردد و راجع بفنای ابدی میگردد متذکر نمیشود و حال آنکه اولوالافتد کل ما علی الارض را میدهند که در یوم قیامت شجره حقیقت درباره ایشان کلمه "بی" بفرماید "لا" لا زیرا که حساب باین دو کلمه کرده میشود

و حمد مر خدا را که امروز نفس بصیری نیست که عظمت یوم حساب را مشاهده نماید چه نفوس محتجبه از محاسبات دنیویه ترسیده که راجع میشود باینکه خداوند دوست نمیدارد که کسی در ذمه او حق کسی باشد و

اینقدر اهتمام کلی مینمایند در اینکه شغل الذمه نفسی نگردند ولی غافلند از نفس خود و آنچه از برای او خلق شده اند که هزار و دویست و هفتاد سال در قرآن عمل نمایند و یوم جزا و حساب قلم لا شیئ بر دور ایشان کشیده شود این است که از برای مردم شعور ایمانی نیست که اگر شعور ایمانی میبود ما علی الارض را میدادند که حساب ایشان بفضل کرده شود نه عدل زیرا که بعدل در نار الی یوم القیمة معذب میگردند و بفضل الی یوم القیمة در جنت متنعم میگردند

و سنه سبع از ظهور "من یظهره الله" سنه حساب است اگر چه خواهد شهر سبع قرار میدهد و الا اسبوع سبع و الا ایام سبع یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید لا یسئل عما یفعل و کل بما اکتسبت ایدیهم یسئلون.

